

مشکل قربانی در منی وراه حل فقهی آن

سید ابراهیم سید علوی

قربانی منی

مقدمه: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که اسلام بعد از قرن‌ها انزوا، در عرصه اجتماع به صورت یک نظام حاکم و جلودار امور سیاسی و اجتماعی و دیگر مسائل انسانی مطرح گردید، از سویی استکبار جهانی تحت عنوان خطر «بنیادگرایی»! یا «اصول گرایی»!، نتوانسته است نگرانی، ترس و وحشت خود را از حاکمیت اسلام پنهان کند؛ از این رو با شتابزدگی و طی برنامه‌های شیطنت آمیز، تخریب و ویرانگری فرهنگی عجیبی در سطح جهانی انجام داده و می‌دهد.

و از سویی دیگر، خود مسلمانان هم، بویژه مشعلداران انقلاب و فقیهان اسلام شناس لزوم تفقه بیشتر در دین را بر اساس وسعت نظر شارع مقدّس، کاملاً احساس کرده‌اند و به این حقیقت رسیده‌اند که باید در جهان امروز، پاسخگوی همه نیازها و سؤال‌ها باشند تا بتوانند با اوضاع پیچیده جهان و مسائل جاری مسلمانان برخورد فعال داشته و هدایت و رهبری همه جانبه را عهده‌دار باشند.

نکته قابل توجه دیگر، که ذکر آن در این مقدمه می‌تواند سودمند باشد و اصولاً غفلت از آن شایسته نیست، این است که: «فقه» و «تفقه» به معنای «فهم و تلاش بیشتر در بهتر فهمیدن»، ریشه قرآنی دارد. اما کلمه «اجتهاد» و «مجتهد» به مفهوم اصطلاحی، علاوه از آنکه در قرآن کریم مطرح نیست، لااقل در فرهنگ تشیع، اصالت ندارد. هرچند که بعداً در گفتگوها و برخوردهای خلفا و حاکمان و در بحث‌های کلامی و عقیدتی و در کتب معارف، بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری شده و معانی اصطلاحی ویژه‌ای پیدا کرده است.

مدّعی ما آنست که فقه اسلامی و شیعی با همان تعریف و هویتش، آنچنان دارای وسعت نظر و جامعیت محتوایی است که اگر با ملاکات و دیدگاه‌های گسترده شارع مقدّس به مسائل و موضوعات، نگریسته شود و با آنها با نظر عمیق و ژرف برخورد بعمل آید و قواعد و اصول، همواره مدّ نظر باشد، خواهیم دید که برای همه نیازها و مشکلات زندگی راه حل‌های مناسب، و برای همه سؤالات برخاسته از احتیاجات و روابط گونه‌گون انسان‌ها در سطوح مختلف، پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده، می‌توان یافت.

طرح مسأله:

مطلبی که می‌خواهم در این مقاله مطرح کنم، مسأله «قربانی در مین» است و این مسأله‌ای است از مسائل بسیار که در سالهای اخیر - با ملاحظه تحولات عظیم در حیات بشری و کشورهای مسلمان و از آن جمله عربستان، در موسم حج - همواره مورد سؤال و جواب و اظهار نظرهای گوناگون بوده و هست.

سرزمین مین محدودی است مشخص و با مناسک و اعمالی معین و در روزهای معلوم، که از روزگاران کهن، محل انجام عبادتهای ویژه‌ای بوده است که در آئین اسلام بشکل کاملتری در آمده است.

کشورهای ثروتمند اسلامی از جمله خود عربستان، با وجود ثروت خدادادی فراوان، جز در موارد ناچیز، کار چشمگیری که متناسب با روند پیشرفت و مدیّت معاصر باشد، انجام نداده‌اند و آنچه اخیراً انجام شده در مقایسه با آن همه اسراف کاری و کاخ‌سازی و رفاه‌طلبی‌های افراطی ملوک و شاهان اسلام پناه بسیار ناچیز است که این درد دل جایی دیگر و فرصت و مجالی متناسب می‌خواهد.

البته اشاره به این نکته ضروری است که منی در محدوده فعلی اش، گنجایش حاجیان و زائران خانه خدا را دارد و خدماتی نیز به حجاج ارائه می‌شود، لیکن می‌بایست: اولاً: تنگ‌نظری و قشریگری برخی باصطلاح، علمای وهابی که به بهانه «جلوگیری از بدعت»، جلوی اقدامات اصلاحی را می‌گیرند و مانع از انجام کارهای بنیادی و اساسی می‌شوند، از بین برود. ثانیاً ملت‌ها و دولت‌های مسلمان به اتحاد و اتفاق بیشتری بیاندیشند و به توطئه‌های استکبار جهانی و خصومت‌های جهانخواران صهیونیست و صلیبی، توجه کنند و در اداره امور حج، تشریک مساعی بیشتری بنمایند و بدانند که جهان اسلام، واحد به هم پیوسته است، بویژه اماکن مقدّسی چون مکه، مدینه و قدس که از آن همه مسلمانان عالم است. بنابراین همه کشورهای مسلمان باید در اداره کردن آنها شریک و سهم باشند و باید در برنامه‌ریزی‌های مربوط به حج و اماکن و مشاعر مقدّس، مشاوره و رایزنی به عمل آید و لازم است برای رسیدن به این مقصد، سمینارها و نشست‌های مفید و ثمربخش، همه ساله قبل و بعد از حج برگزار شود و تصمیمات اتخاذ شده به اجرا درآید.

قربانی منی:

کشتن قربانی‌ها در منی از مسائل بغرنج و از موضوعات سؤال برانگیز در سالهای اخیر است و چنانکه خاطر نشان شد، راه حلی معقول و اسلامی می‌طلبد.

در زمانهای دور و حتی در عصر رسول اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- نیاز به گوشت قربانی‌ها در حدی بوده که همه آنها به مصرف محتاجان می‌رسیده است. حتی رسول اکرم -ص- در سفر حج، به نیابت هر یک از همسرانش یک رأس گاو و خودش شصت و شش شتر و علی -علیه السلام- سی و چهار شتر، قربانی کردند.^۱

و بدون تردید همه آن گوشت‌ها مورد استفاده قرار گرفته و شاید یک کیلو هم ضایع

نمی‌شده، لیکن این نکته نیز قابل توجه است که با بودن وسایل و ابزاری مثل یخچال و امثال آن، چگونه آن همه گوشت به مصرف می‌رسیده و از نظر بهداشتی قابل استفاده بوده است؟ به هر حال از زمانی که وسایل سفر، ماشینی شده و نقل و انتقال مسافر سهل و آسان گردیده است، اولاً: تعداد حاجیان رو به فزونی نهاده و ثانیاً: زندگی از نظر بهداشتی بهتر شده و به امور صحّت و سلامت، عنایت بیشتری می‌شود و ثالثاً: مسلمانان طبق حکم شرعی در فریضه حج، قربانی می‌کشند، لیکن آن همه قربانی جز بسیار اندک، به مصرف خوراک و طعام نمی‌رسند، بلکه روی هم انباشته می‌شوند و بعد با بولدزرها زیر خاک دفن می‌گردند.

در حالی که این کار، اولاً: اسراف و تبذیر مال است، ثانیاً: در نقاط مختلف جهان اسلام بلکه عالم بشریت، جمعیتی هستند که با فقر و گرسنگی دست به گریبانند و شاید به کیلویی از آن گوشت‌ها نیاز مبرم داشته باشند. مسأله این است که آیا راه حلی وجود دارد که قربانی‌ها را از وضع فعلی بیرون آورده و این حکم شرعی و عبادت اسلامی، بصورت مطلوبتر برگزار شود و از آن همه قربانی‌ها حداکثر استفاده به عمل آید؟

ما این مسأله را از دو دیدگاه قابل مطالعه می‌دانیم:

۱ - حکومت عربستان با شرکت و کمک دیگر کشورهای مسلمان با امکانات و ثروت‌های عظیمی که دارند از تکنیک و صنعت بهره بگیرند و در زمینهای اطراف منی و در کنار کشتارگاه‌ها سردخانه‌های عظیم بسازند تا پس از آن که حاجیان در روز دهم ذی‌الحجه و در روز عید قربان قربانی خود را در منی کشتند. آنها بطور اتوماتیک و با وسایل برقی به سردخانه‌های حاشیه منی منتقل شوند و قبلاً در سالن‌های مجهز، توسط افراد متخصص - که ممکن است از میان خود حاجی‌های کشورهای مختلف انتخاب شوند - پاک، تفکیک و تجزیه گردند و به صورت بهداشتی برای استفاده فقرا و مساکین جهان، نگهداری شوند و سپس میان آنان توزیع گردد.

۲ - در وضعیت فعلی که آخوندهای درباری و برخی علمای وهابی تحت عنوان «سلفی‌گری» و به بهانه «مبارزه با بدعت و نوآوری»! مانع از ایجاد تأسیسات در منی و اطراف آن می‌شوند و رهبران و ملوک و امرای مسلمان با وجود ثروت عظیم خدادادی به فکر حل این مشکلات نیستند، چه راه حلی می‌توان ارائه داد؟ به نظر نگارنده برای پیدا کردن پاسخ علمی و مستند، لازم است نگاهی به سیر تاریخی مسأله انداخته و در مضامین آیات قرآنی و

احادیث نبوی و روایات و اولیای معصوم، دقت کافی بکنیم.

مروری بر آیات قرآن:

آیه‌های زیادی در سوره‌های مختلف قرآن کریم، به موضوع قربانی حج مربوط می‌شود. آیات ۲۰۳ - ۱۹۶ از سوره بقره راجع به حج بوده و درباره قربانی روز اضحی هم مطلب دارند که ترجمه بخشی از آنها بدین قرار است:

«حج و عمره را به قصد تقرب به خدا به پایان رسانید و اگر به محاصره درآمدید و راه بر شما بسته شد، در فرستادن قربانی، به آنچه که ممکن است، بسنده کنید و سر متراشید تا قربانی به محل خود برسد. پس هرگاه از محاصره بیرون آمدید و احساس امنیت کردید آنانکه از عمره به حج می‌پردازند هر چه بتوانند قربانی بکشند و هر که ندارد سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت از حج - که مجموعاً ده روز تمام می‌شود - در میهن خود روزه بگیرد.

تقوا پیشه سازید و بدانید که کیفر خداوند، بسیار سخت است. حج در ماههای معینی است. پس هر که را حج واجب شود، او در حین حج نباید زناشویی کند و فسوق نباید مرتکب شود و جدال نباید بکند و خداوند از هر عمل خیر و نیک شما آگاه است. توشه بگیرید که تقوا و پارسایی، بهترین توشه است و فقط از من پروا داشته باشید ای خردمندان!

گاهی نیست و عیب ندارد که شما بدنبال فضل الهی باشید و پس از آنکه از عرفات افاضه کردید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید و فراوان به یاد او باشید. اوست که شما را هدایت فرموده و بدون هدایت او گمراه و گم گشته‌اید.

«سپس از همان راهی که مردم به سوی عرفات می‌کوچند و افاضه می‌کنند، شما هم افاضه کنید و بکوچید. از خداوند مغفرت بخواهید که او آمرزنده و مهربان است. وقتی مناسک و عبادات خود را انجام دادید به یاد خدا باشید آنطور که پدرانان را یاد می‌کنید، بلکه شدیدتر و بیشتر. برخی مردم می‌گویند خدایا! به ما در دنیا عطا کن، برای اینان در آخرت بهره‌ای نیست. و برخی دیگر گویند: پروردگارا! به ما در دنیا حسنه و چیز نیکو عطا کن و در آخرت هم حسنه و چیز نیکو بده و ما را از عذاب آتش نگاهدار. فقط اینان بهره‌ای از عملکرد خود دارند و حسابرسی خداوند، سریع و تند می‌باشد...»

آیه‌های ۳۷ - ۲۵ سوره حج نیز به حج مربوط است که ضمن آن‌ها نکاتی درباره

قربانی هم آمده است و ترجمه بخشی را ذیلاً می خوانید.

«هنگامی که مکان بیت را برای ابراهیم مهیا می ساختیم؛ یعنی به من شریک قرار مده و خانه ام را برای طواف کنندگان، قیام کنندگان، را کعان و ساجدان پاکیزه گردان و در میان مردم بانگ حج کن تا پیادگان و سواران بر شتران لاغر اندام از هر راهی دور به سوی تو آیند و شاهد منافع و سودهایی برای خویشان باشند و نام خدا را در روزهای برشمرده، روی چهار پایان ببرند. پس از آنها بخورید و بینویان، تهیدستان و گرفتاران را از آنها بخورانید.» - فکلوا منها واطعموا البائس الفقیر -

بزرگداشت حرمت های الهی، بهتر است در نزد پروردگار. برای شما چهار پایان، فقط آنچه یاد می شود حلال گردیده. پس، از وثن های پلید و زورگوی، اجتناب کنید. برای خدا خالص و حنیف بوده و هرگز مشرک نباشید. هر که برای خدا شریک انگارد، گویا از آسمان فرو افتاده باشد و مرغان در هوا گوشت تن او پاره پاره کنند و یا همچون کسی است که باد تندی او را به جایی دور دست پرت کند (بیان این حقایق در قالب مثل) برای آنست که بزرگداشت شعائر الهی نشانه تقوا و پارسایی دل است.

برای شما در این قربانیه (شتر، گاو، گوسفند و غیره) منافع و سودهایی است تا وقت معین، سپس محل آنها بیت عتیق می باشد. برای هر امتی، مناسک و عباداتی مقرر داشته ایم. آنان بر حیوان هایی که او روزیشان کرده است باید نام خدا را ببرند. پروردگار شما، خدای یگانه است تسلیم او باشید. مژده باد مخلصان را آنان که هرگاه نام خدا برده شود دلهاشان می لرزد و آنان که در برابر مصایب و تلخی ها، صابر و شکیبایند و نماز پیادارندگاند و از آنچه خداوند روزی شان فرموده انفاق می کنند.

قربانی شتران، از جمله شعائر الهی است برای شما، در آنها خیر و سود است، پس بهنگام نحر و ذبح تا ایستاده اند نام خدا را بر زبان آورید و وقتی به پهلو افتادند و جان دادند از گوشت آنها بخورید و به بینویان و گدایان اطعام کنید. خداوند، شتران را برای شما رام و مسخر کرد شاید سپاسگزار باشید.»

- لن ینال الله لحوها ولا دمائها و لکن یناله التقوی منکم -

«هرگز گوشت ها و یا خون های قربانی ها به خدا نمی رسد ولی تقوا و پارسایی شما به او

برخی آیات سوره مائده نیز به حج مربوط می‌شود که ترجمه آنها ذیلاً ذکر می‌شود:
 «ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ شعائر الهی را پاس بدارید و ماه حرام، قربانی‌ها،
 زائران خانه خدا را که به امید فضل الهی و رسیدن به رضا و خشنودی خدا، راه افتاده‌اند،
 حرمت نگاه دارید و مورد تعرضشان قرار مدهید...»
 خداوند، کعبه و بیت حرام را برای کارپردازی مردم و قیام به سود ایشان قرار داده؛
 چنانکه حرمت ماههای حرام و قربانی‌ها نیز به همین هدف می‌باشد.^۲

مفاد آیات:

از مجموع آیات تلاوت شده با تکیه روی جمله‌های «کلوا منها»، «اطعموا البائس
 الفقیر»، «لا تُحَرِّمُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لا الْهَدْيَ»، «لن ینال الله لحومها ولا دماؤها...» و «قیاماً
 للناس» و امثال آن‌ها، چنین استفاده می‌شود که مناسک و آداب حج، مثل همه نهادهای
 عبادی و فرائض دینی، دستوراتی عملی و برنامه‌هایی تمرینی هستند و برای تربیت انسان و
 رساندن او به کمال مطلوب و ممکن، تشریح شده‌اند.

از آن جایی که انسان دارای هویتی خاص است و ممکن است او بدست خویش بر سر
 راه کمال، موانعی بوجود آورد و در نتیجه، از طی مراحل رشد و کمال انسانی در بعد فردی و
 اجتماعی و حتی مادی و معنوی باز ماند و از عمده‌ترین موانع، در مسیر تکاملی انسان، ظلم‌ها،
 نابرابری‌ها، خودپسندی‌ها، خودبینی‌ها، ثروت اندوزی‌ها و فقر و فلاکت‌هاست، حج یکی از
 آن کلاسهای انسان‌ساز است که او در این کلاس‌ها پس از شناخت آن سلسله موانع، زمینه رشد
 و تعالی خود را فراهم می‌سازد و بر قله بلند انسانیت صعود می‌کند.

پس، مهم آنست که انسان، عنصری فداکار، نودوست بار آید و نیکو تربیت شود و
 دارای روح گذشت بوده از مال و دارایش انفاق کند، تهی دست، بینویان و ساثلان و گدایان
 و گرفتاران را طعام دهد و یاریشان نماید تا بطور طبیعی، تبعیض‌های ناروا و عاملهای کین،
 نفاق و عداوت از میان برداشته شوند و انسان‌ها به یک «زندگی ایده‌آل» و «ایده‌آل زندگی»
 برسند.

بنابراین، وجوب قربانی در حج به انگیزه اطعام، انفاق و برای سیر کردن شکمهای
 مردمی است که بعلتی ندارند و گرسنه مانده‌اند و دچار محرومیتند و سرانجام خود تباه

می شوند و جامعه را از تعالی و تکامل بازمی دارند و گرنه صرف ریختن خون حیوانی بی زبان، بی آنکه فایده ای بر آن مترتب باشد، هدف شارع نیست.

بعبارت روشن تر، مقصود شارع از تشریح قربانی در حجّ و بصورت سمبولیک در روز عید قربان اولاً: اطعام و انفاق است. و ثانیاً: حصول تقوا و پارسایی و روح گذشت است و ثالثاً: کارپردازی و اقدام به حل مشکل مردم و رفع نیاز از محرومان می باشد.

علامه سیوری ضمن تفسیر آیه ۹۷ مائده می نویسد: هدف از تشریح احکام، دفع ضررها و آسیب ها و جلب منافع و سودمندیهاست و احکام اسلامی در حقیقت، الطاف الهی هستند در چهارچوب ادراک عقل و یا حتی فراتر از آن، که فقط شارع به آنها محیط است.^۳ و همو در توضیح جمله «قیاماً للناس» از همان آیه سوره مائده می نویسد: یعنی در معاش و معاد مردم که آنان در صورت خوف و ترس به بیت پناهنده اند و در وقت ضعف و ناتوانی به آن رو می کنند و بازرگانان در کنار آن سود می برند خلاصه آن که با اجتماع در کنار بیت، سروسامان پیدا می کنند.^۴ و همو در توضیح و تفسیر آیه دوم سوره مائده و بیان معنای «عدم رعایت حرمت قربانی ها» چنین می نویسد: «و اجلال الهدی و القلائد عدم صرفها فی جهاتها و منع اهلها من ذلك بالصد او الغصب او السرقة...».^۵ یعنی: حلال انگاشتن قربانی ها و عدم رعایت حرمت آنها به این است که آنها در جای خود به مصرف نرسند و از اطعام و دادن آنها به اهلش با ممانعت و غضب و سرقت و امثال آن، دریغ شود.

و فاضل جواد در توضیح جمله تعظیم «شعائر الله» می نویسد: منظور از شعائر الله معالم دین و مناسک حج است و گفته شده: مراد هدی و قربانی حجّ است و این معنی با جمله بعد سازگارتر می باشد «و تعظیمها أن یختار سماناً حساناً غالبية الأثمان»^۶ یعنی: بزرگداشت قربانی ها این است که حاجی، حیوانی چاق، زیبا و گران قیمت، برگزیند.

آیا انتخاب شتر، گاو و یا گوسفند چاق، زیبا و سرحال و گرانقیمت جز برای آنست که گوشت چنین حیوانی دلپذیرتر، بهداشتی تر و مفیدتر است؟

و آیا معقول است که بهترین را انتخاب کنیم ولی بدانیم که کسی از آن سودی نخواهد

برد و کلاً دور ریخته خواهد شد!؟

مروری بر احادیث:

احادیث مربوط به هَدی و قربانی حج و نیز اضحیّه روز اضحی فراوان است و هر کدام نکته‌ای در بردارد. ما به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم که در آنها برخی رهنمودها در اهداف مقاله، یافت می‌شود.

رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود:

«ما انفق الناس نفقة اعظم من دم يهراق في هذا اليوم...»^۷

«مردم، احسان و انفاقی نکرده‌اند با عظمت تر و با فضیلت تر از قربانی باشد که در روز عید اضحی می‌کشند».

علی بن ابیطالب از رسول خدا - صلی الله علیهما -:

«أتما جعل الله هذا الاضحى ليشبع منه مسكينكم من اللحم فاطعموه»^۸.

«جز این نیست که خداوند قربانی را برای آن تشریح کرد که بینوایان شما از گوشت سیر شوند، پس اطعامشان کنید و گوشت را به ایشان بخورانید».

امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمود: رسول خدا از خوردن گوشت قربانی‌ها پس از

گذشت سه روز، منع می‌فرمود ولی بعد اجازه داد و فرمود:

«كلوا من لحوم الأضاحى بعد ذلك و اذخروا»^۹.

«پس از این از گوشت‌های قربانی بخورید و ذخیره کنید».

جابر بن عبدالله انصاری: رسول خدا فرمان داد که از گوشت قربانی‌ها ولو پس از سه

روز تناول کنیم و بعد اجازه داد که هم بخوریم و هم قورمه درست کنیم و خشک نماییم و به خویشاوندان و کسانمان، هدیه دهیم.^{۱۰}

محمد بن علی یا جعفر بن محمد - علیهما السلام -:

«نهی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - عن اذخار لحوم الأضاحى فوق ثلثة ایام

من أجل حاجة الناس یومئذ فاما الیوم فلا بأس به»^{۱۱}.

«رسول خدا - ص - از ذخیره کردن گوشت قربانی بیش از سه روز نهی کرد؛ چون مردم آن

روزگار نیاز داشتند ولی امروز عیب ندارد».

شیخ صدوق - علیه الرحمة - گفت: امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«كنا نهى عن اخراج لحوم الأضاحى بعد ثلاثة أيام لقلّة اللحم وكثرة الناس فاما اليوم فقد كثر اللحم وقلّ الناس فلا بأس باخراجه».^{۱۲}

«ما از بیرون بردن گوشت قربانی پس از سه روز نهی می‌کردیم چون گوشت کم بود و مردم زیاد بودند، اما امروز گوشت فراوان شده و مردم کمترند، مانعی ندارد که گوشتها بیرون برده شوند».

و در حدیث ابو ابراهیم موسی الکاظم - علیه السلام - آمده:

«لا بأس ان يشتري الحاج من لحم منى و يتزوده».^{۱۳}

«عیب ندارد که حاجی از گوشت منی بخرد و ذخیره نماید».

امام صادق - علیه السلام - فرمود: «رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نهی فرمود از این که پوست و جُل حیوان به قصاب داده شود»^{۱۴} (و همه باید صدقه داده شود).

و در روایتی دیگر فرمود: می‌توان پوست قربانی را فروخت و با آن متاعی دیگر خرید و یا بطور کلی از پوست آن استفاده کرد، لیکن افضل آنست که همه‌اش را در راه خدا به فقیر و بینوا بدهد.^{۱۵}

و اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام موسی کاظم پرسیدم آیا گوشت قربانی (هدی) را می‌توان از منی بیرو برده فرمود: پوست و کوهان و هر چه را که می‌توان از آن سود برد می‌شود بیرون برد. راوی پرسید از پدر بزرگوار شما نقل است: چیزی از «هدی مضمون» را نمی‌توان بیرون برد. امام فرمود: خیر، چیزی که (در منی مورد استفاده نیست) می‌توان بیرون برد و از آن استفاده کرد، گوشت را نمی‌توان از حرم بیرون نمود.^{۱۶}

از این احادیث و از هدایت پیامبر و اوصیای معصوم او چندین نکته استفاده می‌شود:

۱ - حکم گوشت قربانی اعم از هدی و اضحیه، متناسب با وضع جامعه و نیاز مردم و هماهنگ با واقعیات اجتماعی، بیان شده است چنانکه «کمی و فراوانی گوشت»، «فزونى و قلت مردم»، «نیاز و عدم نیاز» و «مورد استفاده واقع شدن و نشدن» در بیان نوع حکم تأثیر داشته است.

۲ - قربانی در اصل برای اطعام انسان و تکمیل تغذیه مردم محروم و بینوا و سدّ

گرسنگی گدایان و فقیران است، چنانکه از آیات قرآن نیز همین مستفاد می‌باشد.

۳ - اولویت با فقرا و بینویان حاضر در منی و مکه است و گوشت قربانی ابتدا باید در

منی به مصرف برسد و از آنجا بیرون برده نشود.

- ۴- در صورت فراوانی گوشت و کمی مردم، برای جلوگیری از تضييع گوشت، نه تنها خارج کردن از منی جایز است، بلکه حاجی می تواند آن را بخرد و ذخیره سازد.
- ۵- بخش هایی از قربانی را که در منی و در مورد تغذیه خود و اطعام دیگران نمی تواند مصرف کند ولی در جای دیگر قابل استفاده می باشد، می تواند بیرون برد، منتهی احسان و صدقه همه اجزاء بدن حیوان، بهتر است.
- ۶- امامانی که در سالهای حیاتشان شاهد وضع حج و از جمله قربانی بوده اند و چنان رهنمودهایی فرموده اند، امروز اگر حاضر بودند چه راه حلی نشان می دادند؟

کلمات و نظرات فقها:

فتاوی فقها، اصولاً مبتنی بر آیات قرآن و احادیث نبوی و روایات ائمه طاهرين - عليهم السلام - است و حتی فتاوی قدماي فقها از متن احادیث انتخاب شده است. و اینک به کلمات و فتاوی آنان اعم از متأخرین و قدما اشاره می کنیم و با در نظر گرفتن آیات و روایات یاد شده، هماهنگی میان آنها روشنتر می شود:

صاحب جواهر می نویسد: بدون خلاف، قربانی در حج تمتع واجب است اولاً بدلیل اجماع و ثانیاً به آیه «فما استیسر من الهدی». ^{۱۷} و به نظر فقهای شیعه واجب است هدی در منی کشته شود و جایز نیست چیزی از قربانی واجب که در منی کشته می شود، بیرون برده شود، بلکه در همانجا به مصرف می رسد. ^{۱۸}

مؤلف جواهرالکلام سپس به برخی احادیث اشاره می کند و می فرماید: این حدیث دلالت ندارد بر عدم جواز بیرون بردن گوشت قربانی از منی، چنانکه حدیث دیگر مبنی بر عدم جواز ذخیره گوشت قربانی، صورت صدقه و احسان را شامل نمی شود. ^{۱۹}

از اصرار روایات بر این که: سعی شود همه گوشت قربانی ها و تمام قسمت های آن (اطراف، پوست، قلاده و غیره) صدقه داده شود و به فقیر و بینوا برسد، معلوم می شود که عنایت شارع مقدس بر تغذیه و تأمین محرومان است که حتی اندکی نیز در خلاف مصالح ایشان نباید مصرف شود.

علامه حلی می نویسد: قربانی بر تمتع واجب است به اجماع علما. خداوند فرمود:

«فمن تمتع بالعمرة الى الحجّ فما استيسر من الهدى». قربانی نزد علمای شیعه جزء مناسک حج است و اصحاب رأی هم به آن عقیده دارند، لقوله تعالی «و البدن جعلناها لكم من شعائر الله...».^{۲۰}

و در جای دیگر می نویسد: قربانی فقط بر حاجی متمتع واجب است.^{۲۱} شهید ثانی می نویسد: جایز نیست چیزی از ذبیحه منی بیرون برده شود و فرقی نیست بین گوشت و پوست و جزء آنها، اعم از اطواف و امعاء، بلکه همه آنها باید صدقه داده شوند، چون پیامبر چنین کرده است.

و حرمت اخراج در صورتی است که در منی قابل مصرف باشد وگرنه ظاهراً می توان گوشت قربانی و دیگر متعلقات آن را از منی خارج کرد.^{۲۲} شیخ صدوق می نویسد: ... به جزّار چیزی از پوست، قلاذه، جُل و گوشت ذبیحه داده نمی شود بلکه همه اش باید تصدّق شود.^{۲۳}

ابوالصلاح می نویسد: «لا يجوز لمن ذبح هدياً بمنى ان يخرج منها شيئاً من لحومه و يجوز ذلك للمتصدق عليه».^{۲۴} یعنی: برای کسی که در منی قربانی کشته، جایز نیست گوشت آن را بیرون برد، اما آنکه برایش صدقه داده شده می تواند خارج کند.

شیخ طوسی می نویسد: عیب ندارد پس از سه روز از گوشت قربانیا خورده شود و آنها ذخیره گردد ولی جایز نیست چیزی از گوشت اضحیّه منی از آن خارج شود لیکن کوهان را می توان بیرون برد و همچنین مانعی نیست که انسان گوشت قربانی دیگری را از منی بیرون کند و مستحب است حتی پوست اضحیّه را برای خود بر ندارد، بلکه همه اش را احسان کند و حتی به نحرکننده شتر هم از خود قربانی (بعنوان مزد) چیزی ندهد و اگر مقداری از گوشت قربانی را احتیاج داشت و از منی خارج ساخت، قیمت آن را صدقه دهد.^{۲۵}

ابن براج می نویسد: حتی پوست قربانی را هم خود بر ندارد و همه را صدقه دهد.^{۲۶} ابن ادریس می نویسد: مستحب است که حاجی حتی پوست هدیه ها و قربانی ها را برای خود بر ندارد بلکه همه را تصدق کند.^{۲۷}

ابن حمزه می نویسد: سنت است که یک سوّم قربانی را خود حاجی بخورد و یک ثلث دیگر را به دوستانش هدیه دهد و یک سوّم بقیّه را به قانع و معتبر بدهد. و چیزی از قربانی را به جزّار ندهد و مزد و اجرت او را از مال خالص خودش بپردازد و پوست و یا قیمت آن را به فقیر

دهد. ۲۸

محقق حلّی می‌نویسد: چیزی از گوشت هدی و قربانی نباید از منی خارج شود و واجب است در راه خدا و در همان منی مصرف شود. ۲۹

علامه حلّی می‌نویسد: مکروه است گوشت قربانی از منی خارج شود ولی جایز است گوشت آن ذخیره شود و شخص دیگر جز صاحب اضحیّه، می‌تواند گوشت آن را از منی خارج کند و به مصرف برساند هر چند با خرید آن از فقیر و بینوایی باشد. ۳۰

و بالأخره محمد جواد مغنیه می‌نویسد: به نظر فقهای امامی، حاجی یک سوّم گوشت قربانی را به بینوایی صدقه می‌دهد و یک سوّم دیگر را به شخص مؤمنی هدیه می‌کند و ثلث باقیمانده را خودش می‌خورد.

فقهای حنبلی و شافعی گفته‌اند: گوشت قربانی واجب را که در حرم ذبح کرده باید در حرم بر فقرا و مساکین توزیع کند.

فقهای حنفی و مالکی گفته‌اند: گوشت قربانی را می‌توان در حرم و غیر آن بین بینوایان پخش کرد. ۳۱

تازه‌ترین و رهگشادترین بحث در این باره، نوعی مناظره فقهی است که میان شیخ محمود شلتوت و شیخ محمد جواد مغنیه، رخ داده است و آن بدنبال پاسخ استفتایی صورت گرفته که شیخ شلتوت در زمینه همین مسأله، صادر کرده است.

شیخ مغنیه این بحث را تحت عنوان «حرق الهدی و طمره» یعنی: سوزاندن قربانی و دفن آن. در سه کتاب خود بنام‌های: «الفقه علی المذاهب الخمسه»، «فقه الامام جعفر الصادق - ع» و «والاسلام مع الحیات»، پی گرفته و خلاصه کلام او در این مورد بدین‌ترتیب است:

امروز، برای حاجیان امری عادی شده که مبلغی به یک فقیر بابت سهم او از قربانی می‌پردازند سپس گوشت قربانی را دفن کرده و یا کناری می‌اندازند و می‌روند؛ زیرا قربانی در منی فراوان است و مصرف‌کننده‌ای وجود ندارد. او سپس می‌نویسد: در حدود مطالعات من، کسی به جواز و یا عدم جواز، چنین عملی تعرّض نکرده است، با این که نیاز به شناخت چنان حکمی لازم و ضروری است. فقط در سال ۱۹۴۹ م حاجیان مصری از جامع الأزهر در این خصوص استفتاء کردند و اجازه خواستند به جای قربانی پول آن را به فقیر و محتاج بدهند و

دانشمند با فضیلت شیخ محمود شلتوت در شماره چهارم سال نخست از رساله الإسلام که دارالتقريب، در قاهره صادر می‌کند، فتواداد که ذبح قربانی واجب است هر چند که در معرض سوزاندن و یا دفن در زیر خاک قرار گیرد.^{۳۲}

شیخ مغنیه پس از نشر این فتوا از سوی شیخ شلتوت دو مقاله در همان رساله الإسلام طی شماره‌های اول و دوم سال دوم بعنوان «هل تعبدنا الشرع بالهدی فی حال یترك فیها للفساد» آیا شرع ما را به ذبح قربانی متعبد می‌کند در حالی که آن برای تباهی و فساد، رها می‌شود؟ نوشته و به بحثی با شیخ شلتوت - با رعایت ادب و نزاکت از سوی طرفین - پرداخته است.

خلاصه نظر شیخ شلتوت:

شیخ با استناد به آیات قرآنی و اشاره به احادیث صحیح راجع به اضحیة، مدعی است که ریختن خون نوعی عبادت و عمل قرب آمیز است و آن جز با ذبح حیوان و ریختن خون آن تحقق نمی‌یابد پس، در انجام تکلیف و قربانی، صدقه نقدی کافی نیست و مورد قبول شارع نمی‌باشد.

برخی آیات قرآنی به صراحت، قربانی را معین می‌دارد بی آنکه بدل برای آن ذکر کنند و برخی دیگر در صورت عجز از تهیه قربانی، برای آن، عوض و بدل معرفی می‌نمایند و آیاتی دیگر، مکلف را بین قربانی و جز آن، مخیر می‌داند.

نکته دیگر این که برابر آیات قرآن اولاً: مکان ذبح، حرم است و ثانیاً: قربانی‌ها از جمله شعائر الهی هستند که حفظ حرمت آنها لازم و اهمال و بی‌توجهی در آن خصوص روا نمی‌باشد همانند اذان، با این که فریضه و واجب نیست ولی حفظ ظاهر، لازم است و هرگاه مردم شهر و یا روستایی از پخش آن، جلوگیری با آنان مبارزه و مقاتله می‌شود.

و همه فقها به دلیل آیات قرآنی که واضح و روشن‌اند و برای تحقق غرض شارع که ریختن خون حیوان به قصد تقرّب است، ذبح را واجب می‌شمارند و خداوند، بندگان را به هر چه بخواهد متعبد می‌فرماید. حالا، آنان حکمت و فلسفه آن را دریابند یا نه؛ چنانکه مقتضای عبودیت، در مورد عدد رکعات نماز و مقدار زکوة و کفاره‌ها، امثال امر است، اعم از این که معانی آنها ادراک بشود و در عقل انسان بگنجد یا نه.

ضمن آنکه برخی فواید و حکمت‌ها برای بشر معلوم است؛ زیرا در عمل ذبح، فداکاری ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل، به یاد می‌آید و این یاد، مردم با ایمان را به فداکاری برمی‌انگیزد. علاوه از اینکه چنین کاری، سرّ اقتصادی دارد و بدینوسیله ساکنان بادیه، به نوا می‌رسند و این راز دعای ابراهیم - علیه‌السلام - است.

بنابراین، مسلمانان نباید به فکر جایگزینی پول نقد به جای هدی و قربانی باشند. چنین عملی باب تغییر و تبدیل بسیاری از احکام را باز می‌کند و تزلزل به همه احکام اسلام راه پیدا می‌نماید.

این مطلب می‌ماند که می‌گویند گوشت‌های قربانی در منی می‌مانند و متعفن می‌شوند و یا آنها را می‌سوزانند و این کار خواه ناخواه اتلاف و تضييع مال است. و به نظر ما این وضع، نتیجه نبودن برنامه و بی‌توجهی به احکام شریعت است و الا همه احکام شرع به نفع بشریت می‌باشد؛ زیرا اولاً: اسلام از همه حاجی‌ها، قربانی نخواست است و ثانیاً: آنجا که ذبح قربانی را واجب کرده، ذبح را در خصوص منی لازم ندانسته است و ثالثاً: در مورد وجوب قربانی در منی، آن را فقط در روز اول لازم نمی‌داند بلکه در همه ایام نحر و همه جای حرم جایز می‌شمارد و در بقیه موارد هم حاجی، میان ذبح و غیر آن مثل صدقه و روزه، مختیر می‌باشد. پس اگر حاجیان، احکام شرع را بخوبی بشناسند و بویژه در مورد خون و ذبح، به وظیفه خود بطور مشخص عمل کنند؛ مثلاً آن حاجی و زائری که ذبح قربانی بر او مستحب است، صدقه نقدی دهد و آنکس که قربانی بر او واجب است با انتخاب بهترین حیوان، آن را ذبح نماید و این کار را در روزها و جاهای مختلف انجام دهند و با دقت و حوصله، گوشت قربانی را میان بینوایان توزیع و تقسیم کنند، مشکل باقی نمی‌ماند که در حل آن درمانند.

متأسفانه! ما عادت کرده‌ایم که وضعی بد و ناخوش بوجود آورده، آنگاه به فکر تغییر شریعت می‌افتیم و حکم و دستور اسلام را زشت قلمداد می‌کنیم و در حدود انکار اصل حکم خدا برمی‌آییم و با استحسان و نظرات من‌عندی داوری می‌نمائیم.

در پایان، به صراحت می‌گوییم اگر گوشت قربانی‌ها، اضافه از اندازه مصرف است و آنها روی هم انباشته می‌شوند و در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرند چاره این وضع آنست که مسلمانان دارا و ثروتمند، با استخدام نیرو و بهره‌گیری از تازه‌ترین وسایل و ابزار، آن گوشت‌ها را حفظ کنند و به صورت بهداشتی ذخیره نمایند سپس آنها را بین فقرا و نیازمندان توزیع

کنند و یا بفروشند و پول آن را به نیازمندان برسانند و در راههای عمومی خیر، مصرف نمایند نه آن که اصل ذبح را تعطیل کنند.^{۳۴}

خلاصه نظر شیخ مغنیه:

پس از انتشار فتوای شیخ محمود شلتوت که از نظر خواننده گذشت، شیخ محمد جواد مغنیه مشاور دادگاه عالی شرع، مذهب جعفری در بیروت آن را خوانده و نقطه نظرانی را ابراز داشته که آن نکات قابل توجه فقهی و اصولی در بردارد و خلاصه نظر آن دانشمند مرحوم را ذیلاً می خوانید:

آیا شارع معصوم و مبرا از عبث و بیهوده گویی، حاجیان بیت را به ریختن خون حیوان موظف می دارد در حالی که ذبیحه ها به هر تقدیر در روی زمین می مانند و در معرض عفونت قرار می گیرند؟!

آیا حاجی خون حیوان را باید بریزد با این که پیش از ذبح و بهنگام کشتار یقین دارد که قربانش در کوره ها سوزانده شده و یا در زیر خاک ها دفن خواهد گردید؟ چنانکه همه ساله در جلو چشمان همگان، این کار تکرار می شود و حاجی مختصر پولی بابت سهم فقیر، به بینوایی می دهد و یا کنار می گذارد و بعد قربانی را می کشد و آن را در قربانگاه منی رها می کند و می رود.

بدون شک اگر خشک کردن گوشت ها ممکن باشد و یا با احداث سردخانه و تجهیزات نوین دیگر، آن همه گوشت ها کنسرو شود و به صورت بسته بندی های بهداشتی به مصرف برسد، همه قربانی ها در منی باید ذبح شوند و حکم شریعت به دقت باید اجرا گردد. اما بحث در این است که چنین عملی انجام نمی شود و حاجی، به یقین می داند که گوشت قربانی او از بین خواهد رفت.

هیچ کس نمی تواند به قصد قربت و بعزم انجام کاری که خدا فرمان داده، عملی را به جا آورد مگر آن که به یکی از طرق مشروع، احراز کند که خداوند به آن امر فرموده است و گرنه آن، نوعی تشریح من عندی و بدعت محرم از لحاظ شرع و عقل، خواهد بود، به عبارت دیگر عبادت از امور توقیفی است و در صحت آن، شرط است که امثال، با انجام کاری، تحقیق یابد که امر به آن کار تعلق یافته است و تقرّب با آن حاصل می باشد و الاّ نه امری هست و نه عبادتی

و نه تعبّدی. و ما اوامر الهی را با کتاب و سنّتِ قولی، عملی و امضایی و یا اجماع، اثبات می‌کنیم. در مجموعه آیات قرآنی، آیه‌ای که نص و صریح باشد در این که ریختن خون حیوان بطور مطلق ولو در صورت تلف و فساد، مجاز و یا واجب است، وجود ندارد. و در سنّت نبوی هم وارد نشده که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین چیزی را گفته و یا انجام داده و یا امضا کرده باشد، فقط آیات و روایات هماهنگ‌اند در این که قربانی حج در مکان و روز معینی واجب می‌باشد، همین و بس.

نکته دیگر آنکه: شارع برای بیان احکام شرع، راه ویژه‌ای انتخاب نکرده است جز همان طریق محاوره عرفی و عادتاً مکلفین از ظواهر کلام گوینده به مراد او پی می‌برند و این تفاهم، گاهی ناشی از قرائن حالی و مقالی است و گاهی بدون آن. پس ظهور کلام در یک معنا، حجّت است و جز با وجود قرینه صارفه نمی‌توان از آن عدول کرد.

مثلاً اگر کسی به خادم خویش بگوید برو گوشت بخر و او برود و بعلت نبودن گوشت دست خالی برگردد نمی‌توان او را ملامت کرد که چرا مرغ و یا مرغابی نخریده است؛ زیرا گوشت، ظهور در گوشت گاو یا گوسفند دارد و هرگز شامل مرغ یا مرغابی نمی‌شود.

هم چنان که مفهوم متعارف از جمله «قربانی کن» و «گوسفند بکش»، زمینه خوردن و احکام است اما تعبّد به ریختن خون حیوان بطور مطلق، از اذهان مردم بدور است و اراده آن، بیانی اضافه لازم دارد و بر اساس همین تفاهم عرفی است که مردم با شگفتی می‌پرسند: آیا شارع ما را به کشتن قربانی موظف داشته؟ هر چند که گوشت آن از بین برود و زیر خاک دفن گردد و احدی از آن بهره‌مند نشود؟

پس وقتی مأمور به و عمل قرب آمیز، متنفی شد تکلیفی وجود نخواهد داشت. ۳۴

ملاحظه

به نظر نگارنده یکی از نکاتی که از بحث میان این دو دانشمند استفاده می‌شود، این است که: امکان خوردن و اطعام گوشت قربانی، از قبیل «شرط واجب» است یا «شرط وجوب»، از سخنان شلتوت چنان برمی‌آید که امکان خوردن در قربانی «شرط واجب» است همانند طهارت نسبت به نماز که مکلف باید نماز بخواند و برای ادای این تکلیف تحصیل طهارت کند و وضو بگیرد و نگرفتن وضو یا نداشتن طهارت، نماز را از گردن مکلف ساقط

نمی‌نماید.

ولی از کلمات مغنیة چنان استفاده می‌شود که امکان خوردن و احکام قربانی از قبیل «شرط وجوب» است و همانند استطاعت مسأله حج، که تحصیل آن برای مکلف لازم نیست، لیکن اگر استطاعت تحقق یافت حج واجب می‌شود. پس به نظر مغنیة: اگر با اقدام ثروتمندان و یا حاکمان مقتدر کشورهای اسلامی، زمینه استفاده از قربانی‌ها فراهم شود، ذبح در منی واجب است، لیکن اگر این کار انجام نگیرد اصلاً تکلیف منتفی است.

نکته سوّم که در اینجا به نظر می‌آید، فرض واجب عینی و یا کفایی است. هرگاه فرضاً امکان خوردن و اطعام قربانی، از قبیل شرط وجوب باشد نه شرط واجب، آیا آن، بر آحاد حاجیان بطور انفرادی و تعیینی واجب است یا به شکل اجتماعی و به اصطلاح کفایی؟ چنانکه مستفاد از روایات حج آنست که اگر یکسال فرضاً مستطیع وجود نداشته باشد و خانه‌ی زائر بماند، بر مسلمانان و حاکم اسلامی واجب است از بیت المال، عده‌ای را به حج اعزام کند و این نوعی واجب کفایی را مطرح می‌سازد.

پس احداث سردخانه و ایجاد تأسیسات و انجام کاری که امکان استفاده از گوشت قربانی را فراهم می‌سازد، در بعد تکلیف فردی، واجب نیست همانند استطاعت حج که بر افراد تحصیل استطاعت واجب نمی‌باشد، لیکن برای عامّه مسلمانان بطور واجب کفایی، اقدام به ایجاد چنین شرایطی فرض است و اگر احدی به آن عمل نکند و گوشت‌ها روی زمین بماند و فاسد شود همه مقصّرند و مسؤول، لیکن اگر عده‌ای ثروتمند و دارا و برخی حاکمان و رؤسای توانا، چنین وضع را ایجاد کنند از گردن بقیّه می‌افتد و موضوع تکلیف عمومی منتفی می‌گردد.

خاتمه: با ملاحظه آیات قرآنی و تأکید آنها به اطعام و احسان به بینوایان و سائلان و با در نظر گرفتن روایات و لحن آنها هماهنگ با قرآن بر صدقه و احسان و اطعام محرومان و با وجود فتاوا و کلمات فقها و دانشمندان اسلامی از دورترین زمان، مبنی بر احتیاط در بیرون نبردن گوشت قربانی‌ها و متعلقات آنها و سعی در به مصرف رساندن همه آنها برای نیازمندان و درماندگان در کنار بیت خدا و سرزمین منی آیا وقت آن فرا نرسیده که مسلمانان متعهد و ملتزم به شرع، در زمینه حسن استفاده از گوشت قربانی‌های منی، اقدامی اساسی و تصمیم

عزمی شایسته و نهایی اتخاذ کنند؟ بخصوص که سال به سال آمار حاجیان فزونی می‌یابد و گوشت‌ها، بیشتر تضييع می‌شود.

حقیقت آنست که هدایت ائمه دین طی روایات، هماهنگ با قرآن و اوضاع جاری در هر عصر بوده و با دقت در سیر تاریخی مسأله و کلمات فقها و نظرات ابراز شده توسط آنان در طی کتب مفصل فقهی به این نتیجه می‌رسیم که ملاک قربانی حج و فلسفه تشریح اضحیه، احکام فقرا و تغذیه بینوایان است و صرف ریختن خون، هدف شارع نیست و در صورت تراحم «واجب» و «حرام» یعنی: وجوب ذبح قربانی و حرمت تضييع مال و یا دو واجب (وجوب ذبح و وجوب حفظ مال)، فقیه مانند یک جراح متخصص و حاذق باید وارد عمل شده و تصمیم مقتضی بگیرد.

آیا وقت آن نشده که فقهای بزرگوار ما با در نظر گرفتن همه جوانب مسأله و با شجاعت و حریت تمام فتوایی مناسب و شایسته صادر فرمایند و این مشکل حکمی و مسأله مستحدث عصر را حل کنند؟

«اللهم انی لا اريد الا الإصلاح ما استطعت»

تهران - سید ابراهیم سید علوی

۱۳۷۱/۴/۱۰

پاورقی‌ها:

۱. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۰۱، چاپ اسلامیة، تهران.
۲. مائده: ۲ و ۹۷.
۳. رجوع کنید به: جمال الدین مقداد بن عبدالله سیوری، کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۳۱ چاپ مرتضوی، تهران.
۴. همان، ص ۳۳۰.
۵. همان، ص ۳۳۲.
۶. فاضل جواد، مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۳۳، چاپ مرتضوی، تهران.
۷. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۸۱، چاپ مؤسسه آل‌البیت، قم.
۸. همان، ص ۱۱۰.
۹. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۸ و نگاه کنید به: متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۹۱. چاپ هند، افست بیروت.
۱۰. همان.

۱۱. قاضی ابو حنیفه نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۸۶. چاپ مصر.
۱۲. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۴۹.
۱۳. همان، ص ۱۵۰.
۱۴. همان، ص ۱۵۱.
۱۵. همان.
۱۶. همان، ص ۱۵۲.
۱۷. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۱۴ و صفحات ۱۲۰، چاپ داراحیاء التراث، بیروت.
۱۸. البقره: ۱۹۶.
۱۹. همان، ص ۱۳۱.
۲۰. علامه جمال الدین حسن بن یوسف حلّی، التذکره، ج ۱، ص ۳۷۸، چاپ سنگی.
۲۱. جمال الدین حسن بن یوسف حلّی، المختلف، کتاب الحج، چاپ سنگی.
۲۲. زین الدین عاملی (شهید ثانی)، مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۱۱۵، چاپ سنگی.
۲۳. ابو جعفر صدوق، محمد بن علی، المقنع، کتاب الحج از سلسله الینابیع الفقهیة، ص ۳۷ چاپ نخست ۱۴۰۶ ق.
۲۴. ابوالصلاح حلبی، الکافی، ص ۲۰۰، چاپ قم، شوال ۱۴۰۳.
۲۵. محمد بن حسن طوسی، النهایة، ج ۱ ص ۲۶۵، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش. و رجوع کنید از ایشان به: الجمل والعقود، کتاب الحجّ از سلسله الینابیع الفقهیة، ص ۲۳۲.
۲۶. عبدالعزیز بن براج، المهدّب، ج ۱، ص ۲۵۹، چاپ مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۷. محمد بن ادریس الحلّی، السرائر، کتاب الحجّ از سلسله الینابیع الفقهیة، ص ۵۲۱.
۲۸. محمد بن علی بن حمزه طوسی، الوسيلة الى نیل الفضیلة، کتاب الحجّ از الینابیع الفقهیة، ص ۶۰۲.
۲۹. نجم الدین جعفر بن حسن حلّی، المختصر النافع.
۳۰. جمال الدین حسن بن یوسف حلّی، قواعد الأحکام، چاپ سنگی و رجوع کنید به علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۵۴، چاپ مؤسسه آل البیت، قم.
۳۱. محمد جواد مغنّیة، الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۲۶۸، ۲۶۷، چاپ دارالعلم للعلاّیین، بیروت.
۳۲. همان، ص ۲۷۰ و رجوع کنید به؛ فقه الامام جعفر الصادق - ع - ج ۲، ص ۲۴۴.
۳۳. رجوع کنید به: دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیة قاهره، رساله الاسلام، شماره چهار سال نخست، مقاله، «حکم الشریعة فی استبدال النقد بالهدی».
۳۴. همان، شماره یکم سال دوم و نیز رجوع شود به شماره دوم و ما برای رعایت اختصار از تلخیص مقاله دوم خودداری کردیم طالبان رجوع کنند.